

نهضت ایرلاند

کوشش مبادی ایرلاندیها برای تحصیل آزادی و استقلال یکی از مسائل مهمه ایست که بیشتر از یک قرن بر آن گذشته و همیشه محافل سیاسی دنیا را بخود مشغول داشته و اخبار آن در جراید عالم درج شده است.

جزیره ایرلاند یکی از ممالک سه گانه ایست که دولت بریتانیا را تشکیل میدهند. موافق احصائیه سال ۱۸۸۱ سکنه آن پنج میلیون، مساحتش ۸۴۲۵۲ کیلومتر مربع و دارای ۲۲ ایالت است. در اواسط قرن دوازدهم میلادی انگلیسها بر ایرلاند استیلا یافتند، اهالی چندین بار با عاده استقلال کوشیدند و همبقدر توانستند یک نوع « اختیار اداری - Home rule » را ضعیف بشوند. در انقلاب ۱۷۹۸ این امتیاز نیز از آنان سلب شد و مقرر گردید نمایندگان بلندن بفرستند. ایرلاند از این تاریخ چند لورد بمجلس سنا و ۱۰۵ نفر بعنوان نمایندگان پارلمان بلندن میفرستاد اما هرگز مقصود اصلی را فراموش نمیکرد.

نگارش وقایع و حوادث این مدت مدید کتابها لازم دارد، ما بشداید و بلایاتی که ایرلاندیها در طی این یک قرن گرفتار آن بوده اند کار نداریم و میخواهیم از زمان بسیار نزدیک صحبت کنیم، اظهارات « مستر رالستن » که یک نفر روزنامه نویس اتحاد پرست ایرلاندی است تا اندازه ما را باین مطلب آشنا میکند، « مشار الیه در « مجله قرن نوزدهم - اوت ۱۹۲۱ » میگوید:

حکومتهای انگلیس در ایرلاند هیچوقت اصول برابری را با
 یطرفی و درستکاری اجرا نکردند. سیاست قدیم که قوانین قرن
 هجدهم را وضع کرد و عمداً از امکان رقابت ایرلاند با بریتانیا
 در تجارت و صناعت جلوگیری نمود هنوز خودنمایی میکند، انگلیس
 با آزادی تجارت ایرلاند راضی نیست. در ۱۷۷۸ وقتی که
 «ادموند بورك» اصلاحات معتدلانه را پیشنهاد نمود از پارلمان
 بیرونش کردند، ایرلاند اسماً در اتحاد شریک است و از تأدیبه مالیات
 سهم وافیه میبرد اما در میان منافع آن با منافع بریتانیا ابداً مطابقتی
 مشاهده نمیشود. ملتی را با آهن بستی و مذلت داغ کردن کار
 آسانی نیست. مسئله تربیت و تعلیم اطفال این مملکت بیش از هر چیز
 بر سوء نیت انگلیس نسبت با ایرلاند دلالت دارد. «سیر هیزی
 دیوک» حاکم کل ایرلند در ۱۹۱۲ گفت: «سه هزار نفر معلم
 ایرلندی در طبقه سوم هر یک سالی ۶۳ لیره اجرت تعلیم میگیرند،
 هر سه سال مبلغی در آن کلاسها تعلیم میشود تا بالاخره به ۸۴ لیره میرسد.
 از ۷۷۰۰ معلمه ۵۷۰۰ نفر در کلاسها در کلاسها سوم تدریس میکنند و سالی
 پنجاه لیره بانها میدهند، رئیس یک مدرسه دوپست یا سیصد نفری
 در «دوبلن» یا «بلفاست» به سالی ۱۰۰ لیره حق تعلیم قانع است،
 با این اجرت کم تعجب میکنم چرا دسته دسته بانگلستان نمی آیند»
 پارلمان انگلیس سعی دارد با وسایلی که منظور ملت است تا اثره
 انقلاب را خاموش کند، چرا اصول و قواعدی را که میتوانند
 احساسات ضد انگلیسی را از میان بردارند بمملکت نمیدهد؟
 ایرلاند را طبیعت در گوشه خلق کرده و در همانجا گذاشته است،

انگلیس از این وضعیت استفاده نمود. میخواهد همیشه آن را مقهور خود سازد، اما ایرلاند مصمم شده است از گوشه بیرون آید.

تمام وعده های «لویڈ ژورژ» در خصوص انشاء کارخانه های اسلحه سازی در ایرلاند به حرف های واهی بی اساس منتهی شدند، کار مخاصمت و ضدیت بجائی رسید که رئیس ارزاق پیه خوگهای ایرلاندرا کمتر از پیه خوگهای انگلیس قیمت گذاشت. برای ترقی اقتصادی ایرلاند «لورد فرنج» در نطق معروف اوت ۱۹۱۸ خودش ترتیب تازه را اعلام کرد اما این ترتیب از حدود قول تجاوز نمود. در عوض موافقتها و مساعدتهای حقیقی، امروز سخت ترین مراسم جبر و زجر در مملکت ما حکمفرماست. بازار رفتن و فروش امتعه ممنوع، حضور در تئاترها ممنوع، تحصیل زبان ایرلاند ممنوع، بیع و شرای محصولات و صنایع دستی ممنوع، کسب اطلاع از منابع ثروت مملکت ممنوع، استفاده از حقوق زندگانی ممنوع است. بالجمله دایره خصومت و منافرت آنقدر وسعت پیدا کرد تا نوبت جزرومد رسید و جنبش «سین فین» ها را تقویت نمود.

«سن فین - Sinn Fein» در لغت ایرلاندی یعنی «خودما»، چون این کلمه معنی استقلال طلبی را متضمن بود، حزب جمهوری ایرلاند باین اسم موسوم گردید. روزنامه «ایرلاند متحد» بطور کافی در مبادی و معانی مسلکی این

جمعیت بحث کرده و هیچ نکته را ناکفته نگذاشته است ، نویسنده این روزنامه بهموطنان خویش میگفت : برای نیل استقلال از تحمل متاع بی نکتند ، از سطوت سیاست انگلیس نترسیده نماینده پارلمان لندن نفرستند ، از دادن خراج بجزانۀ بریتانیا و مراجعه بقضات و محاکم آن امتناع نمایند ، از تقلید انگلیسها در اخلاق و آداب و تربیت محترز باشند ، در نظم و ثن و ادبیات پرو انگلیس نشوند ، بگذارند مملکت مستقل و قائم بالذات بوده بادست خود در صفحه تاریخ بنویسد : ایرلاند آزاد بدون انگلیس .

نویسنده این روزنامه که با مقالات مؤثر خویش افکار خفته را بیدار میکرد و بکار میآید اخت جوانی بود موسوم به « آرتر کری فیس » ، اداره روزنامه « ایرلاند متحد » را در یکی از خیابان های متروک دوبلین دائر کرده روزگارش در نهایت تنگدستی میگذشت ، سیاحتی فرانسوی میگردد : اداره این روزنامه حجیره بود ناریک و محقر که تنها از یک دریچه روشنائی میگرفت و چند سندی کهنه و مقداری اسباب کار برآز گرد و خاک در آنجا دیده میشد . بعضی تصور مینمودند اشخاصی که در نشر و تحریر این روزنامه دخالت داشتند در اظهار فقر و پریشانی اوضاع تمسک می کردند و میخواستند باین وسیله از تعرضات پلیس و مؤاخذه قانون محفوظ باشند .

در ۲۸ نوامبر ۱۹۰۵ عده قلیلی از رؤسای آزادی طلبان به تشکیل « مجلس وطنی » اقدام نموده برگرام عملیات را از « گریفیس »

خواستار شدند ، در این وقت جمعیتی بنام « سین فین » تأسیس یافت و حوزه های آن در اقطار ایرلاند بکار مشغول شده . مقاصد خود را علناً اظهار نمودند ، در ۱۹۰۷ جریده « ایرلاند متحد » بروزنامه « سین فین » مبدل گردید . پس از اندک زمانی سرمایه پیشرفت مقصود تمام شد و هنگامی طرفداران انگلیس و اشتراکیون بمیان آمد ، در این هنگام حزب سین فین اهمیت و توانائی اولی خود را از دست داده و کارکنان آن پراکنده شده بودند . در ۱۹۱۳ دوره زندگانی تازه این جمعیت فرا رسید ، در ۱۹۱۶ ایرلندیها با و طلبانه بحاربه و سپاهیکری داخل شده برای انفصال مطلق ایرلاند از انگلستان و تأسیس جمهوریت آزاد مساعی عظیمه بکار بردند . شاید فراموش نشده باشد که در همین سال چند هزار نفر از جوانان ایرلاند بر قسمت مهم پایتخت و سایر ولایات مسئولی شده بیری جمهوریت را برافراشتند ، مقاومت این جمع در مقابل سپاهیان انگلیس يك هفته طول کشید ، بانزده نفر از رؤسا را که « توماس کلارك » معروف از آن جمله بود تیرباران کردند ، « بلانکت » شاعر ایرلندی نیز در این محاربه خونین اعدام شد ، مقتولین این جنگ در آغاز جوانی بدرود زندگانی گرفتند ، وقوع این قضیه فجع در تاریخ آزادی طلبی ایرلاند صفحه مخصوصی باز کرد و باطناً اساس حزب « سین فین » را استحکام کامل بخشید ، از این زمان حزب مزبور مرکز خود را رسماً در دوبلن مستقر ساخته شعبات آن را باطراف ایرلاند فرستاد ، « کری فیس » و « دو الرا » قطعه انکاء و استاد علوم و مراکز

جریان اعمال و حرکات بودند.

از ۱۹۱۶ تا اواخر ۱۹۲۱، ابرلاندیها آقدر مجاهدت و فداکاری کردند تا موانع را از میان برداشته و در همین ایام آزادی و استقلال خود را بدست آوردند.

مکالمه سه قطره

سه قطره آب پهلوی کوهی در شکافی فرو ریخته بدینگونه مکالمه میکردند:

قطره اول - میگویند اقیانوس هست و ما از آنجا آمده ایم و بهمینجا مراجعت خواهیم کرد.

قطره دوم - میگویند ما هر سه بشکل اقیانوس ساخته شده ایم، اگرچه چندان بزرگ و پهناور نیستیم اما با آن تفاوت نداریم.

قطره سوم - اقیانوس در میان نیست، همه این حرفها خرافات است، ما بعد از چند دقیقه به بخار مبدل شده ناپدید میشویم، در اینوقت بر ما چه میگذرد؟ من مثل شما بوجود اقیانوس یا بازگشت بمبداء معتقد نیستم.

میدانید چه شد؟ ابری یارش آمده، قطرات سه گانه ما با جویباری سرازیر گشتند، جویبار به نهر پیوست، نهر برود داخل شد، رود راه دریا پیش گرفت، دبری نکشید که هر سه قطره باقیانوس اتصال یافتند.